

Analysis of the story Koroğlu based on the character's activism pattern

Aram Hoshmand ghorghani¹, Najmeh Hosseini Sarvari^{2*}

Mohammadreza Sarfi³

1. Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Iran.
2. Department of History Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman , Iran.
3. Department of History Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman , Iran.

Received: 2025/12/27

Received in revised form: 2026/02/25

Accepted: 2026/05/10

Published: 202?/?/?

Abstract

The story of Koroğlu is one of the most popular oral narratives and heroic epics in Turkish culture. The aim of this research is to analyze the structure and relationships of the characters' activism in this story based on Greimas's theory. The text cited in this research is the book " Koroğlu in Iran". The method is a separate analysis of each of the twenty-four stories in the book and finally an overall analysis and description of the stories. The results of this research show that the basis of the structure of Koroğlu's stories is based on the axis of desire, but the axis of power also plays a very prominent role in the structure of the stories. Also, the division of the subject's role among the story's actors, shows that Koroğlu is not the main actor of all the stories, nor the autocratic leader or the lone hero; rather, all the fighters of Chanlibeyel, the women of the story, and even Qiraat, the legendary horse of Koroğlu, are active activists. The analysis of the transfer axis shows that the most important factor in the movement and struggle of Koroğlu and his companions is the motivation to fight against oppression and the ideal of seeking justice; therefore, the people benefit the most from the adventures of the Chanlibeyel heros. The Ashiqs are the most popular and devoted heroes of this story. They play a key role in the stories as agents and helpers, but they rarely participate in the transmission axis.

Keywords: Folklore literature, The Story of Koroğlu, Greimas, Character's activism pattern.

Cite as: Analysis of the story Koroğlu based on the character's activism pattern. Iranian History of Culture. 202?; ?(?): ?-??.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online): 3060-8066

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2026.70951.1137

*Corresponding Author: Associate Professor of Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. n.hosseini@uk.ac.ir



Copyright ©The authors

Publisher: University of Tabriz

تحلیل داستان «کوراوغلو» بر اساس الگوی کنشگری شخصیت‌ها

آرام هوشمند قرقانی^۱، نجمه حسینی سروری^۲، محمدرضا صرفی^۳

۱. بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۲. بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۳. بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰ انتشار: ۱۴۰۵/۰۹/۰۴

چکیده

داستان کوراوغلو از جمله محبوب‌ترین روایت‌های شفاهی و حماسه‌های قهرمانی و عیاری در فرهنگ ترک‌زبانان است. هدف این پژوهش، تحلیل ساختار و روابط کنشگری شخصیت‌ها در این داستان بر مبنای الگوی کنشگری گریماس است. متن مورد استناد این پژوهش، کتاب «کوراوغلو در ایران زمین» است و روش کار، تحلیل جداگانه هر بیست و چهار داستان کتاب و سرانجام تحلیل و توصیف کلی داستان‌هاست. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه اساس ساختار داستان‌های کوراوغلو بر محور طلب بنا شده است، محور قدرت نیز نقش بسیار پررنگی در شکل‌گیری داستان‌ها دارد. این ویژگی و نیز تقسیم نقش فاعل میان کنشگران داستان، نشان می‌دهد که کوراوغلو، کنشگر اصلی همه داستان‌ها و رهبر خودکامه و قهرمان تک‌رو نیست؛ بلکه همه مبارزان چنلی‌بئل و نیز زنان داستان، کنشگران فعال هستند. توجه به نقش محور انتقال نیز نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل حرکت و مبارزه کوراوغلو و یاران او، انگیزه مبارزه با ستم و آرمان عدالت-خواهی است و در نتیجه، توده مردم مهم‌ترین دریافت‌کنندگان ماجراجویی‌های مبارزان چنلی‌بئل هستند و عاشیق‌ها مردمی‌ترین و پاک‌بازترین این مبارزان‌اند که اگرچه در جایگاه فاعل و یاریگر نقشی کلیدی در داستان‌ها دارند، به‌ندرت در محور انتقال مشارکت دارند؛ نه برای منافع شخصی به میدان می‌روند و نه از نتیجه کنش خود بهره‌مند می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات داستانی فولکلوریک، داستان کوراوغلو، گریماس، الگوی کنشگری شخصیت‌ها.

نحوه ارجاع: آرام، هوشمند قرقانی، نجمه، حسینی سروری و محمدرضا، صرفی. (۱۴۰۴). "تحلیل داستان «کوراوغلو» بر اساس الگوی کنشگری شخصیت‌ها". تاریخ فرهنگ ایران. ۴(۹): ۴۴-۴۹.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2026.70951.1137

مقدمه

ادبیات داستانی یکی از شاخه‌های بنیادین هنر و فرهنگ بشری است که از راه روایت و تخیل، به بازنمایی اندیشه‌ها، احساسات و تجربه‌های انسان می‌پردازد. این نوع ادبیات، پلی میان واقعیت و ذهنیت انسان ایجاد می‌کند و با ترسیم رویدادها و شخصیت‌ها، تصویری از زندگی فردی و اجتماعی در قالبی هنری ارائه می‌دهد. جهان آفریده داستان، در عین خیالی‌بودن، بازتابی از حقیقت‌های انسانی و بستری برای اندیشه‌ورزی، نقد اجتماعی و شناخت هویت انسانی است و «هدف آن، نه صرفاً سرگرمی، بلکه درک عمیق‌تر از جهان و انسان است» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۲۲).

«در میان انواع داستان‌ها، داستان‌های شفاهی را می‌توان بخش مهمی از داستان‌ها و فرهنگ توده (فولکلور) به شمار آورد که منبعی فیاض برای کسب اطلاع از زندگی اجتماعی مردم و آداب و سنن ایشان است» (محبوب، ۱۳۸۶: ۱۳۶). داستان فولکلوریک، «به معنای وسیع، شامل تمامی ادبیات روستایی و جامعه ابتدایی می‌شود و در این معنی، این مفهوم با فرهنگ و مخصوصاً فرهنگ قومی نزدیک است؛ به معنای محدود که شامل: اسطوره‌ها، باورها، ادبیات و روایت‌های رایج و غیرمکتوب است. این مفهوم دارای سه ویژگی است؛ مربوط به گذشته است یا ریشه در گذشته تاریخی جامعه دارد؛ فاقد زیربنای علمی و تشکیلاتی منظم است و تأثیری نسبی از فرهنگ و تمدن نو می‌پذیرد» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۷۳-۲۷۴). این داستان‌ها، انواع مختلفی دارند؛ از افسانه‌ها و داستان‌های عاشقانه گرفته تا سرگذشت‌هایی که جنبه دینی و انتقاد اجتماعی دارند؛ اما غالب این داستان‌ها جنبه حماسی و پهلوانی دارند (محبوب، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

«کوراوغلو»^۱ یکی از روایت‌های پهلوانی و فولکلوریک پرآوازه مردم آذربایجان است که ریشه در گذشته‌ای دور دارد و بازتابی از باورهای فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی، اندیشه و جهان‌بینی مردم آذربایجان و کلان‌روایت‌ها، آرزوها، باورها و آداب-ورسوم و مبارزه توده مردم در برابر ظلم و بی‌عدالتی است. این اثر، نه صرفاً داستانی از نبرد یک قهرمان با حاکمان ظالم، بلکه بازنمایی حرکت جمعی ملتی است که در جست‌وجوی آزادی و عدالت‌اند. «کوراوغلو، شخصیت اصلی داستان، قهرمانی است برخاسته از میان مردم و پاسدار منافع مردم و عاشیقی است ترنم‌کننده دلاوری و جوانمردی» (رییس‌نیا، ۱۳۶۸: ۱۰۲)؛ او نمونه‌ای از شخصیت پهلوان عیارصفت است که در تاریخ فرهنگ اسلامی و اجتماعی ایران، سابقه‌ای کهن و ریشه‌دار دارد و «دلیری، پارسایی، مهرورزیدن، بر سر قول ایستادن، شکیبাবودن و به شب بیدارماندن و مردمان را پاسبانی کردن، از خصوصیات چنین پهلوانی است» (بهار، ۱۳۷۶: ۱۷۰).

^۱ Koroğlu

مقاله پژوهشی

داستان‌ها و حکایات مربوط به کوراوغلو/گوراوغلی در میان بسیاری از اقوام ترک، از ترک‌های بالکان گرفته تا قزاق‌ها، اویغورها و تاتارهای توبول در آسیای مرکزی و سیبری و نیز در میان گویشوران زبان‌های غیرترکی، محبوب‌اند (۱۵۳: ۱۹۹۲ Reichel). این اقوام مختلف، کوراوغلی خود را با حال‌وهوای خود آفریده‌اند و این ویژگی، نشان‌دهنده اهمیت و محبوبیت داستان و انتشار گسترده مضامین (موتیف‌های) کوراوغلو بین مردم آسیای میانه و الهام‌گرفتن آنها از این مضامین در آفریدن حماسه‌های میهنی است (افندیف، ۱۳۶۸: ۳۲-۳۴).

رشته داستان‌های کوراوغلو، نمونه جافتاده‌ای از ادبیات قهرمانی و حماسه‌های شفاهی آسیای میانه است و از لحاظ جریان و طرح کلی داستان، با معیارهای پذیرفته‌ای که به‌عنوان منظومه‌ها و داستان‌های قهرمانی در این منطقه دیده می‌شود، سازگاری کامل دارد. فضایل قهرمانی پرتطرف‌دار در این داستان‌ها عبارت‌اند از: دلاوری، وفاداری، سخاوت و بخشندگی و به-جا آوردن اصول کلی پهلوانی و خود کوراوغلو، عالی‌ترین درجه فضیلت و کمال را به‌عنوان رادمردی از جامعه قهرمانی آسیا دارد (چادویک، ژیرمونسکی، ۱۳۹۵: ۵۸-۵۹)؛ بنابراین، تحلیل ساختاری و شناسایی نقش و کنشگری اشخاص داستان کوراوغلو، علاوه بر اینکه به شیوه‌ای نظام‌مند، سازوکار داستان را توضیح می‌دهد، می‌تواند الگویی نهایی برای شناخت و تعریف ساختار کلی حماسه‌های قهرمانی شفاهی در آسیای میانه در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران این حوزه قرار دهد. علاوه بر این، دقت نظر در این حماسه مردمی، ما را با لایه‌های پنهان اندیشه، نظام ارزش‌ها و فرهنگ مردم آذربایجان و دیگر اقوام آسیای میانه - که در چهره قهرمان مردمی و رادمرد این داستان‌ها بازتاب دارد - آشنا می‌سازد و از آنجاکه «این منظومه‌ها، قهرمانان را از مردم جدا نمی‌کنند، تنها به شخصیت قهرمان نمی‌پردازند و مبارزات عموم مردم و نقش آنها را نیز بازتاب می‌دهند» (افندیف، ۱۳۶۸: ۱۰)، شناسایی نقش‌های کنشگری همه اشخاص داستان، می‌تواند تصویری از ارزش‌ها و کنش‌های جمعی مردم را در جریان مبارزات رهایی‌بخش ترسیم کند و نشان دهد که چگونه مفاهیمی چون عدالت، آزادگی و جوانمردی در روایت‌های مردمی از داستان‌های پهلوانی بازتولید می‌شوند.

پیشینه و روش تحقیق

بیشتر مطالعات پیشین درباره کوراوغلو و از آن جمله، افندیف (۱۳۵۷) و رییس‌نیا (۱۳۶۸)، به جنبه‌های تاریخی، معنایی و موسیقایی داستان کوراوغلو پرداخته‌اند. رسمی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی تطبیقی داستان‌های رستم و کوراوغلو»، به این نتیجه رسیده است که هر دو اثر، جنبه رئالیستی دارند و نمادی از تخاصم خیر و شر هستند و مهم‌ترین وجه مشترک دو داستان، پیکار پدر و پسر است؛ اگرچه پایان این نبرد در دو داستان متفاوت است. رسمی و رسمی (۱۳۹۴) در مقاله «مقایسه نبرد پدر و پسر در داستان‌های رستم و سهراب و کوراوغلو و کُرداوغلو»، معتقدند که «کوراوغلو و کُرداوغلو» بر اساس شاهنامه

مقاله پژوهشی



فردوسی پرداخته شده است و در مقاله «بررسی تطبیقی پیوند عشق و حماسه در شاهنامه فردوسی»، به این نتیجه رسیده‌اند که در هر دو اثر، زنان اهمیتی خاص دارند؛ اما زنان داستان کوراوغلو از نظر شخصیت اجتماعی، موقعیت ممتازتری نسبت به زنان شاهنامه دارند.

رسمی و رسمی (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تطبیقی نقش اسطوره‌ای آب در داستان کوراوغلو با شاهنامه فردوسی و روایات شفاهی آن»، نقش مشترک آب در متن‌های مورد مطالعه را نشانی از ارتباط تنگاتنگ و ظریف فرهنگ‌ها با یکدیگر دانسته‌اند و در رویکردی دیگر به داستان کوراوغلو، به «بررسی تطبیقی اسطوره قیرات در روایت‌های مختلف داستان کوراوغلو با اسب‌های اسطوره‌ای شاهنامه» (۱۴۰۱) پرداخته‌اند. فخری (۱۳۹۵) در مقاله «جنبه‌های دراماتیک و اقتباسی حماسه کوراوغلو»، داستان‌های کوراوغلو را در میان اقوام آذربایجان، ترکمن و ترکیه با یکدیگر مقایسه کرده و نقاط اختلاف و اشتراک آنها را یادآوری کرده است. مقاله فخری (۱۳۹۲) با عنوان «جنبه‌های دراماتیک و اقتباسی حماسه کوراوغلو» و مقاله مشترک فخری و صادقی (۱۳۹۳) با عنوان «ریخت‌شناسی داستان کوراوغلو و کچل حمزه بر اساس نظریه پراپ»، تنها پژوهش‌هایی هستند که جنبه‌های دراماتیک و ساختاری داستان کوراوغلو را با توجه به عناصر داستان و ریخت‌شناسی پراپ شرح داده‌اند. نتیجه این دو مقاله بر قابلیت اقتباس داستان کوراوغلو و قابلیت تحلیل ریخت‌شناسانه حماسه‌های مردمی و شفاهی تأکید می‌کند؛ بنابراین، در هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین، تحلیل الگوی ساختاری متن و کنشگری اشخاص این داستان مورد بحث قرار نگرفته است.

از سوی دیگر، مقاله‌های بسیار بیشتری در حوزه نظری این پژوهش و ساختارشناسی متون مختلف بر مبنای الگوی کنشگری گریماس منتشر شده است. از این میان، مقاله‌های زیر ارتباط بیشتری با پژوهش حاضر دارند:

طائفی و همکاران (۱۴۰۳)، در «ساختارشناسی داستان اصلی و کرم» که از داستان‌های معروف ادبیات ترکی است، از الگوی کنشگری بهره برده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که داستان از دیدگاه روایت‌شناسی و تحلیل ساختاری، بر مبنای الگوی گریماس دارای همخوانی معناداری است؛ انسجام و تعادل روایت در آن حاکم است؛ با فراق و جدایی اصلی شروع و با مرگ کرم به پایان می‌رسد. جمالی قهدریجانی و همکاران (۱۴۰۴) در مقاله «روایت‌شناسی قصه و افسانه‌های عامه مردم اصفهان بر اساس نظریه کنشی گریماس»، یلمه‌ها و اژدرنژاد (۱۳۹۸) در «روایت‌شناسی منظومه فیروز و شهناز بر اساس الگوی گریماس» و مشهدی و ثواب (۱۳۹۳) در «تحلیل ساختار روایتی داستان بهرام و گل‌اندام بر پایه نظریه گریماس»، به نتایج مشابه طائفی و همکاران دست یافته‌اند. دقت نظر در نتایج مقاله‌های یادشده نشان می‌دهد که تأکید آنها بر پی‌رنگ و انسجام متن و نیز اهمیت و اثبات کارآمدی دیدگاه روایت‌شناسی گریماس است و از این جهت، تفاوت آشکاری با هدف و نتایج به‌دست‌آمده از

مقاله پژوهشی

پژوهش حاضر دارند. علاوه بر این، روش کار و رویکرد این مقاله در مطالعه متن و تقسیم آن به پی‌رفت‌های جزئی، تفاوت دیگر مقاله حاضر با پژوهش‌های یادشده است.

مقاله امیردوست و همکاران (۱۴۰۳) با عنوان «تحلیل و مقایسه دو منظومه ویس و رامین و خسرو و شیرین بر اساس الگوی کنشگری شخصیت‌ها» و مقاله حسینی سروری (۱۳۹۸) با عنوان «مقایسه سندیادنامه و بختیارنامه از نظر الگوی مشارکت‌کنندگان روایت»، از لحاظ روش کار و شیوه استفاده از نظریه گریماس، بیشترین شباهت را با مقاله حاضر دارند؛ اما وجه تطبیقی دو پژوهش یادشده و نیز توجه آنها به متن‌های کلاسیک ادبیات فارسی، تفاوت‌های معناداری را در یافته‌ها و نتایج این مقاله‌ها با پژوهش حاضر نشان می‌دهد.

این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیل محتوای کیفی و تحلیل ساختاری متن انجام می‌شود. روش کار، مبتنی بر مطالعه دقیق و تقسیم متن به پی‌رفت‌های اصلی داستان و سپس، شناسایی و تحلیل و توصیف الگوی کنشگری اشخاص داستان در هر پی‌رفت است.

بحث

مبنای نظری

اساس کار گریماس، متأثر از ریخت‌شناسی پراپ است که بر اهمیت نقش‌مایه‌ها (کارکردها بدون توجه به عاملان آنها یا شخصیت‌ها) به‌عنوان بنیادی‌ترین واحدهای روایی تأکید می‌کند. به نظر گریماس، درک تقابل‌ها اساس ساختار بنیادی دلالت است و «می‌کوشد تا با ساختن یک الگو و نه یک فهرست ساده، نحو اولیه‌ای از دلالت ارائه دهد» (تادیه، ۱۳۷۸: ۲۵۳). گریماس روایت را صرفاً مجموعه‌ای از امکانات زبانی می‌داند که به طریقی خاص و بر اساس مجموعه‌ای از قواعد ساختاری و زبردستوری، یک جا گردآمده‌اند (اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۵۹) و باید به دستور زیربنایی و سازنده روایت‌ها و نه متن‌های منفرد دست یافت. از نظر او، یک زنجیره روایی از طریق ارتباط دو کنشگر، کنش‌هایی اساسی را پدید می‌آورد (گرین، لبیهان، ۱۳۸۳: ۱۱۰)؛ بنابراین «برای شناخت معنای یک متن نیز باید معنای پی‌رفت‌ها و قاعده‌های دستور داستان را بدانیم» (احمدی، ۱۳۷۰: ۱۶۲).

گریماس سه نوع ساختار پی‌رفت^۱ را برمی‌شمرد که عبارت‌اند از: زنجیره‌های اجرایی (آزمون‌ها، مبارزه‌ها)، زنجیره‌های میثاقی (بستن و شکستن پیمان‌ها) و زنجیره‌های انفصالی (رفتن‌ها و بازگشتن‌ها) (اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۵۴) و هر پی‌رفت مشخص

¹ . Sequence



مقاله پژوهشی



را به سه جفت نقش روایی فاعل/مفعول^۱، فرستنده/گیرنده^۲ و یاریگر/حریف^۳ (بازدارنده) تجزیه می‌کند (مکاریک، ۱۳۸۳: ۳۳۱) که به آنها عاملان یا مشارکت‌کنندگان^۴ گفته می‌شود. رابطه متقابل هریک از سه جفت مشارکت‌کننده در روایت، یکی از محورهای توصیف مشارکت‌کنندگان را شکل می‌دهد که عبارت است از محورهای طلب^۵، قدرت^۶ و انتقال^۷:

محور طلب یا جست‌وجو، محور مشارکت فاعل با مفعول است؛ یعنی ارتباط یا اتصال کسی یا چیزی که به‌سوی هدفی (مفعول) گسیل می‌شود. وصل و جدایی در این محور شکل می‌گیرد؛ اگر فاعل با مفعول به پیوستگی برسد، وصل و در غیر این صورت، جدایی اتفاق می‌افتد. محور قدرت بیانگر ارتباط دو مشارکت‌کننده یاریگر و بازدارنده است. یاریگر تلاش می‌کند تا فاعل و مفعول به پیوستگی مطلوب برسند درحالی‌که بازدارنده، مانع این اتصال است و در نهایت، محور انتقال، کنش دو مشارکت‌کننده فرستنده و گیرنده را معنادار می‌کند؛ فرستنده، عنصری (فرد یا مضمون) است که برقراری اتصال میان فاعل و مفعول را پیشنهاد می‌کند و گیرنده، از اتصال میان فاعل و مفعول نفع می‌برد: (مارتین، ۱۳۸۲: ۷۲)

محور ارتباط	کنشگرها	کنش
طلب	فاعل/مفعول (هدف)	وصل / جدایی
قدرت	یاریگر / بازدارنده	مانع‌شدن اتصال
انتقال	فرستنده / گیرنده	منتفع‌شدن از اتصال

اصلی‌ترین رابطه در این مدل، رابطه فاعل و هدف است که بر اساس خواست فاعل برای رسیدن به هدف شکل می‌گیرد؛ بنابراین، کنشگران یک پی‌رفت لزوماً انسان یا یک شخص خاص نیستند (برتس، ۱۳۸۴: ۸۵)؛ بلکه در معنای وسیع، یک موجود انسان‌نما (حيوان سخن‌گو و غیره)، یک موجود بی‌جان و واقعی مانند اشیاء (مثلاً شمشیر یا گرز) یا حتی یک مفهوم (شجاعت، امید، آزادی) یا یک جامعه یا گروه دوستی باشند (هربرت، به نقل از حسینی سروری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷). همچنین، شخصیت واحد، می‌تواند کار دو یا چند کنشگر را انجام دهد یا ممکن است دو یا چند شخصیت، در نقش واحدی ظاهر شوند (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۶۵). این الگو به‌ویژه با ساخت بسیاری از داستان‌هایی که طرح ساده‌ای دارند، مثل داستان‌های

1. Subject / Object

2. Addressee / Addresser

3. Helper / Opponent

4. Actants

5. Desire axis

6. Power axis

7. Transmission axis



مقاله پژوهشی

عامیانه و قصه‌های پریان، سازگار است (تولان، ۱۳۸۶: ۱۵۱) و به این دلیل می‌تواند در تحلیل داستان کوراوغلو مورد استناد قرار گیرد. برای رسیدن به این الگو، ابتدا متن به پی‌رفت‌ها و توالی‌های سازنده اثر تقسیم و سپس، مشارکت‌کنندگان هر پی‌رفت و نقش آنها در شکل‌گیری پی‌رفت، شناسایی و توصیف می‌شود.

خاستگاه و پیشینه داستان

داستان کوراوغلو از شناخته‌شده‌ترین و مهم‌ترین روایت‌های شفاهی و حماسه‌های قهرمانی و عیاری در فرهنگ ترک‌زبانان است. این داستان نمونه جالفتاده‌ای از ادبیات قهرمانی و پرماجر است که محیط آفرینش همه آنها جوامع قهرمان‌پرور است. گویندگان و سرایندگان این داستان‌ها ناشناس هستند و تنها با سنت نقالی شفاهی و گاه با همراهی ساز زهی به ما رسیده‌اند. ترجیح جزء بر کل و ارائه جزئیات به تفصیل و با پرداختی زیبا، سبک معمول این داستان‌هاست (چادویک، ژیرمونسکی، ۱۳۹۵: ۵۸). این داستان‌ها اغلب منظوم یا آمیخته‌ای از نظم و نثراند و «درعین حال که به تاریخ وابسته‌اند، مرز مشخصی آنها را از تاریخ جدا می‌کند» (رییس‌نیا، ۱۳۶۸: ۲۹).

درباره منشأ تاریخی این داستان، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است؛ برخی پژوهشگران، بر اساس وسعت منطقه انتشار داستان، سابقه تاریخی خود کوراوغلو و داستان او را ادوار پیش از اسلام می‌دانند و معتقدند که داستان در دوران بعد از اسلام و در جریان مهاجرت اغوزها به ایران، آذربایجان و آناتولی، به این سرزمین‌ها انتقال یافته است و به اعتقاد بعضی، کوراوغلو و پسرخوانده‌اش، عیوض (ایواز)، نمودی از چهره داستانی‌شده سلطان محمود غزنوی و غلام او، ایاز، هستند. بعضی از پژوهشگران ارمنی‌تبار، معتقدند که کوراوغلو، قهرمانی ارمنی و داستان او بازتابی از قیام «آرشاک دوم» علیه ساسانیان است. دومزیل^۱، سابقه موضوع قیام قهرمانی مردمی علیه ستمگری که چشمان پدرش را درآورده، در سرزمین‌های قفقاز تا قرن ششم پیش از میلاد می‌رساند (رییس‌نیا، ۱۳۶۸: ۱۰۳-۱۰۵)؛ اما افندیف^۲ (۱۳۵۷: ۲۷) معتقد است که منشأ تاریخی داستان، قرن شانزدهم میلادی، یعنی دوران به قدرت رسیدن شاه عباس صفوی است؛ زمانی که مردم آذربایجان به مبارزه با اشغالگرانی برخاستند که به منظور تسخیر آذربایجان، نظام فئودالی را تقویت و شهرها و روستاهای این خطه را تخریب و غارت می‌کردند. درباره شخصیت کوراوغلو نیز اختلاف نظر وجود دارد؛ بعضی او را به یک طایفه ترکمن ترکمنستان به نام «تکه»^۳ منسوب کرده‌اند که در زمان شاه عباس به آذربایجان کوچیده و در دژی به نام چنلی‌بئل^۴، واقع در دره سلماس، راهزنی می‌کرده است و برخی دیگر، او را یک ترک اهل آناتولی یا آذربایجان دانسته‌اند (رییس‌نیا، ۱۳۶۸: ۱۰۶-۱۰۸). «جاهد اوز

¹. Dumezil, G². Efendiyev, p³. Teke⁴. Chanlibeyel

مقاله پژوهشی



تلی^۱، «کوراوغلو را مردی از اهالی کوهستان معرفی می‌کند که در زمان خویش، علیه حکومت وقت شورش کرده و از چنگ قانون فراری است. «امید قافتانچی اوغلو^۲، آنهایی را که کوراوغلو را راهزن شرور و خون‌خوار می‌خوانند، به شدت مورد انتقاد داده و این شخصیت را مخلوق توده زحمت‌کش جامعه معرفی نموده است و او را تمثیلی از یک قهرمان آفریده ذهن مردم فقیر معرفی می‌کند و این سمبل مقدس را نشانه احترام و عشق به دلاوری و بیداری به حساب می‌آورد» (اوزون، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۲).

صرف‌نظر از اختلاف نظرها، شخصیت کوراوغلو، «مانند سایر قهرمانان جهان، از سوی روایان و نویسندگان عمداً یا سهواً به افسانه کشیده شده است؛ مثلاً کوراوغلو در یک وعده، یک گاو را می‌خورد یا هفت مشک شراب را یک‌نفسه می‌نوشد، با ضربه یک شمشیر، چهل سر را می‌برد و... یا اینکه ترکمن‌ها، او را علاوه بر اسطوره مقاومت، فردی عارف می‌شناسند که از چشمه چهل‌تنان باده نوشیده و در پشت سر حضرت علی^(ع) نماز خوانده است و آذربایجانی‌ها، او را یک پهلوان شکست‌ناپذیر می‌دانند که با هفت‌هزار و هفتصد و هفتاد و هفت یار جان‌برکف خود، در قلعه چلی‌بئل سکنی گزیدند و با خوانین و پادشاهان و خودکارها (خان‌های بزرگ) در حال جنگ و ستیز بودند» (ناصری، ۱۳۸۸: ۸-۹).

در هر حال، آنچه در همه روایت‌های کوراوغلو مشترک است، دلیری و جنگاوری او و مبارزه مردمی او با ظلم و بی‌عدالتی است. «کوراوغلو شاید یک شخصیت تاریخی واقعی نبوده؛ اما قهرمان مردمی و صدای آن‌هاست و آنچه کوراوغلو را به افسانه تبدیل کرده، مکتوب‌نبودن این داستان و واقعه در گذشته است که در گردش سینه‌به‌سینه و بنا به حال مخاطب، تغییراتی را به خود دیده است. اگرچه داستان کوراوغلو در بسیاری از فرهنگ‌ها شناخته‌شده و تأثیرگذار است؛ اما مدارک تاریخی دقیقی وجود ندارد که نشان دهد او یک شخصیت تاریخی واقعی بوده است. بیشتر روایت‌ها و افسانه‌ها، به او ویژگی‌های قهرمانانه و حتی اسطوره‌ای می‌دهند که در آن، مرز بین تاریخ و افسانه کمرنگ است؛ بنابراین، به‌طور کلی می‌توان گفت که کوراوغلو شخصیتی افسانه‌ای است؛ ولی ریشه‌های داستان‌های او ممکن است به حوادث واقعی تاریخی در دوران‌های مختلف بازگردد» (اوزون، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

داستان کوراوغلو و شخصیت افسانه‌ای او، «محصول مشترک خلاقیت جمعی توده مردم است؛ مردم پسندیده‌ترین خصایل و سجایای خود، یعنی شجاعت و راست‌گویی، مردم‌داری و عدالت‌خواهی و عشق به زندگی و آزادی را در سیمای او مجسم ساخته و وجودش را از همه زشتی‌ها و پلشتی‌ها و نامردمی‌ها پیراسته‌اند» (رییس‌نیا، ۱۳۶۸: ۱۸۸). این داستان «هیچ صبغه اشرافی ندارد. خود او پسر رمه‌بان سلطان مراد و یارانش همه رنجبرانی هستند که از میان مهتران و چوپانان و

¹. Öztelli, J². Kaftancıoğlu, Ü

مقاله پژوهشی

صنعتگران برخاسته‌اند» (چادویک، ژیرمونسکی، ۱۳۹۵: ۵۸) و «شخص کورواغلو، با ساز خود یادآور عشق است و با شمشیرش که پدیدآمده از رعد آسمانی است، قدرتی زوال‌ناپذیر در برابر استبداد خواتین در اختیار دارد و با وجود اینکه شخصیتی کاریزماتیک میان یاران خود دارد و پیروانش هرگز از فرامین او سرپیچی نمی‌کنند، هرگز دروغ نمی‌گوید و مستبدانه رفتار نمی‌کند» (اوزون، ۱۳۸۸: ۱۳).

داستان کورواغلو «حلقه مفقوده‌ای در تاریخ نیست و هنوز هم می‌توان داستان او را از زبان عاشیقان سازه‌دست سرزمین‌های ترک‌نشین به گوش نشست» (همان: ۱۳). تحت تأثیر همین سنت عاشیقی و «مانند همه داستان‌های فولکلوریک آذربایجان، این داستان هم تلفیقی از نظم و نثر است» (رییس‌نیا، ۱۳۶۸: ۹۵)؛ سیر وقایع به صورت نثر روایت می‌شود، در حالی که قطعات منظوم ایستاتر هستند و برای سخنرانی‌ها، مونولوگ‌های غنایی و دیالوگ‌ها در نظر گرفته شده‌اند (۱۲۸ Reichel, ۱۹۹۲: و بنا بر سنت، «عاشیق بخش‌های نثر را تعریف می‌کند و بخش‌های نظم را که با احساسات و عواطف و هیجانات و اضطراب‌های قهرمان ارتباط عمیق دارد، با آهنگی متناسب و با همراهی ساز می‌خواند» (رییس‌نیا، ۱۳۶۸: ۹۵). به دلیل همین سنت نقل شفاهی داستان که تا امروز نیز ادامه دارد، روایت‌ها و نسخه‌های متفاوتی از داستان کورواغلو وجود دارد. متن مورد استناد این پژوهش، کتاب «کورواغلو در ایران‌زمین» گردآوری علی ناصری است؛ پژوهشگری اهل یکی از روستاهای شهرستان هشتروند و علاقه‌مند به ادبیات عامیانه و فولکلور آذربایجان که روایت‌های شفاهی کورواغلو را گردآوری و مستندسازی کرده‌است. این اثر، حاصل مصاحبه‌های ناصری با بیست‌و‌چهار نفر از عاشیق‌های برجسته در مناطق ترک‌زبان ایران و از جمله: قشقای‌های شیراز، زنجان، آذربایجان شرقی و غربی و همدان است. این مجموعه، شامل بیست‌و‌چهار داستان است که از داستان کورکردن چشم پدر کورواغلو آغاز و به مرگ کورواغلو ختم می‌شود و هریک از داستان‌ها، روایت یکی از عاشیق‌هایی است که ناصری با آنها مصاحبه کرده است. در این پژوهش، اساس تحلیل نقش‌های کنشگری شخصیت‌ها، مبتنی بر تحلیل هریک از بیست‌و‌چهار داستان و سپس نتیجه‌گیری کلی در باب کلان‌روایت متن است.

روایت کلان داستان

علی‌کیشی، مهتر خانی ستمگر به نام حسن خان، به دستور خان کور می‌شود. روشن، پسر علی‌کیشی که بعداً به کورواغلو معروف می‌شود، سوگند می‌خورد که از خان‌ها و ظالمان انتقام بگیرد و مردم مظلوم را از شر آنها راحت کند. پس، همراه پدرش و دو کره‌اسب به نام‌های قیرآت^۱ و دورآت^۲، به قلعه‌ای کوهستانی به نام چنلی‌بئل پناه می‌برد. رفته‌رفته آوازه‌آواز خوش و دلیری‌های روشن به همه‌جا می‌رسد و مردمان رنج‌کشیده و بیزار از ظلم و نابرابری، گرد او جمع می‌شوند. طی سال‌ها،

^۱ Qirât^۲ Durât

چنلی بئل به دژی مستحکم برای مبارزه با ستمگران تبدیل می‌شود؛ جایی که همه با هم برادرند و به یک‌سان از آزادی و برابری برخوردارند.

تحلیل الگوی کنشگری شخصیت‌ها در داستان‌ها

۱. کورشدن پدر کوراوغلو: روایت عاشق اسدالله مرامی

علی‌کیشی، مهتر حسن خان، شاهد جفت‌گیری یکی از مادیان‌های گلّه با یک اسب دریایی است و می‌فهمد که کره-های آن مادیان، اسب‌هایی استثنایی خواهند بود. چند روز بعد از تولّد کره‌ها، حسن‌پاشا برای مهمانی به کاخ حسن خان می‌آید و حسن خان به علی‌کیشی دستور می‌دهد که اسب‌ها را به چراگاه نفرستد تا حسن پاشا یک اسب انتخاب کند. علی‌کیشی که از ارادت حسن خان به حسن پاشا مطلع است، همه اسب‌ها را به جز دو کره‌اسب تازه‌متولّدشده را به صحرا می‌فرستد. حسن پاشا برای انتخاب اسب می‌آید؛ اما در محوطه فقط دو کره اسب لاغر می‌بیند و آن را توهین تلقی می‌کند. حسن خان دستور می‌دهد که چشمان علی‌کیشی را کور و او را اخراج کنند. علی‌کیشی از حسن خان می‌خواهد که به‌خاطر سال‌ها نوکری و مهتری، آن دو کره‌اسب را به او ببخشد و به‌اتفاق پسرش، روشن، به دشتی پناه می‌برند. در آنجا، علی‌کیشی در طول چهل روز، اسب‌ها را به شکل خاصی تعلیم می‌دهد و از روشن می‌خواهد که نام خود را کوراوغلو بگذارد تا مردم با شنیدن نام او، از ظلمی که بر او و پدرش رفته، یاد کنند. سرانجام، پدر و پسر در قلعه‌ای کوهستانی به نام چنلی‌بئل ساکن می‌شوند و روشن، مبارزه با خان‌های ظالم را آغاز می‌کند (ناصری، ۱۳۸۸: ۱۹-۲۹).

انگیزه انتقام و مبارزه با ستمگران، فقط در این داستان نقش فرستنده را ایفا نمی‌کند بلکه در متن کلان داستان، عامل کنش و حرکت کوراوغلو و دیگر کنشگران داستان است. همچنین، در همین داستان اول، اهمیت و برتری دو اسب کوراوغلو و به‌خصوص قیرآت، به‌عنوان یاریگران همیشگی قهرمان، آشکار می‌شود؛ «اسب‌هایی که با معیارهای ایده‌آل ترکمن هم‌خوانی دارند. قیرآت، اسب محبوب کوراوغلو، حتی بیش از سوارش، قهرمان راستین داستان‌هاست؛ فرمانروایان مقتدر چشم طمع بر او دوخته‌اند و همه دوستش دارند و ستایشش می‌کنند» (چادوپک، ژیرمونسکی، ۱۳۹۵: ۵۹). جدول زیر الگوی کنشگری اشخاص را در این داستان نشان می‌دهد:

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یاریگر	گیرنده
انگیزه انتقام و مبارزه با ستمگران	کوراوغلو	انتقام‌گرفتن مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی	قدرت و ثروت خان‌های ستمگر	علی‌کیشی قیرآت	کوراوغلو، علی‌کیشی مردم ستم‌دیده

۲. سفر تبریز کوراوغلو: روایت عاشیق غفار ابراهیمی

پس از مرگ علی کیشی، کوراوغلو بنا به وصیت پدر، به تبریز و نزد سلیمان آهنگر می‌رود تا برای خودش و یارانش شمشیر تهیه کند. سلیمان پس از اطمینان از نیت کوراوغلو، شمشیری قدرتمند (شمشیر مصری) برایش می‌سازد (ناصری، ۱۳۸۸: ۳۹-۳۰).

این داستان، بر اساس الگوی سفر قهرمان برای دستیابی به شیء جادویی پرداخته شده است. کوراوغلو برای دست یافتن به سلاحی خارق‌العاده به سفر می‌رود و بعد از غلبه بر سوءظن سلیمان و جلب اعتماد او، به شمشیری افسانه‌ای مسلح می‌شود که وجود آن، برای ادامه داستان و نیز مبارزه او و یارانش ضروری به نظر می‌رسد.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یارِ یگر	گیرنده
وصیت علی کیشی انگیزه مبارزه با ظالمان	کوراوغلو	دست یافتن به سلاح جادویی / مبارزه مؤثرتر	سوءظن سلیمان آهنگر	سلیمان آهنگر علی کیشی	کوراوغلو و یارانش توده مردم

۳. کوراوغلو و دلی حسن: روایت مسیح‌الله رضایی

کوراوغلو که از شجاعت «دلی حسن» بسیار شنیده است، دنبال او می‌گردد تا او را به چنلی‌بئل بیاورد. در برخوردی اتفاقی، میان او و دلی^۱ حسن که قصد تصاحب قیرآت را دارد، نبردی درمی‌گیرد که با پیروزی کوراوغلو به پایان می‌رسد. کوراوغلو حریف شکست‌خورده را نمی‌کشد و دلی حسن که تحت تأثیر جوان‌مردی او قرار گرفته، سوگند وفاداری می‌خورد، به جمع یاران کوراوغلو ملحق می‌شود و گنجی را که در طول هفت‌سال جمع‌آوری کرده است، به او می‌بخشد (ناصری، ۱۳۸۸: ۴۰-۴۷).

در این داستان، آنچه کوراوغلو و یارانش را به حرکت وامی‌دارد، آوازه شجاعت دلی حسن است. دلی حسن که هدف کوراوغلو است، ابتدا در نقش بازدارنده ظاهر می‌شود؛ اما سرانجام، به جمع مبارزان چنلی‌بئل می‌پیوندد و به این ترتیب، او و توده مردم هم از عمل کوراوغلو بهره می‌برند؛ چراکه پیوستن دلی حسن به کوراوغلو، به معنی مبارزه مؤثرتر با ستمگران و تقویت آرمان حق‌طلبی است.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یارِ یگر	گیرنده
آوازه شجاعت دلی حسن انگیزه مبارزه با ظالمان	کوراوغلو	دلی حسن مبارزه مؤثرتر	دلی حسن	یاران کوراوغلو قیرآت	دلی حسن / کوراوغلو و یارانش / توده مردم

۱. Deli یا Dali: هم به معنی دلیر و هم به معنی دیوانه و نشان‌دهنده شجاعتی جسورانه است. این لقب در داستان دده قورقورت هم دیده می‌شود.

۴. آمدن دمیچی اوغلو به چنلی‌بئل: به روایت عاشیق علی‌رضا سلیمانی

کوراوغلو برای نعل کردن قیرآت به نخجوان می‌رود. دمیچی آهنگر چند نعل می‌سازد؛ اما کوراوغلو همه را دور می‌اندازد. سرانجام، پسر آهنگر، دمیچی‌اوغلو که به توصیه پدر از چشم کوراوغلو پنهان شده است، می‌آید و با قدرت خارق‌العاده‌اش اسب را نعل می‌کند. دمیچی اوغلو که از رفتار کوراوغلو با پدرش خشمگین است، تصمیم می‌گیرد برای گرفتن انتقام به چنلی‌بئل برود و قیرآت را بدزدد؛ اما در تاریکی شب با کوراوغلو روبه‌رو می‌شود، او را نمی‌شناسد و می‌گوید که برای دزدی به چنلی‌بئل آمده است. کوراوغلو تحت‌تأثیر زیرکی و شجاعت دمیچی اوغلو قرار می‌گیرد، با او همراه می‌شود و با هم قیرآت را می‌دزدند. در طول راه بازگشت چند بار با هم درگیر می‌شوند و سرانجام، دمیچی اوغلو تسلیم می‌شود و چون جوانمردی کوراوغلو را می‌بیند، سوگند وفاداری می‌خورد و به یاران او می‌پیوندد (ناصری، ۱۳۸۸: ۴۸-۵۵).

در این داستان، دو کنشگر در نقش فاعل ظاهر می‌شوند: کوراوغلو و دمیچی‌اوغلو. هدف کوراوغلو در ابتدا نعل کردن قیرآت است؛ اما وقتی با دمیچی‌اوغلو روبه‌رو می‌شود، تصمیم می‌گیرد او را با خود به چنلی‌بئل ببرد. در مقابل، دمیچی‌اوغلو هم که با هدف دزدیدن قیرآت و انتقام گرفتن از کوراوغلو به چنلی‌بئل آمده است، سرانجام به کوراوغلو و یارانش ملحق می‌شود؛ بنابراین، هر قهرمان در تقابل با دیگری در نقش فاعل و هدف ظاهر می‌شود و در نهایت، حل نزع بین دو قهرمان، فقط به معنی منتفع شدن دو پهلوان یا مبارزان چنلی‌بئل نیست؛ بلکه با تقویت نهضت مبارزه، توده مردم نیز از نتیجه این اتحاد برخوردار می‌شوند.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یارگر	گیرنده
خرابی نعل قیرآت انگیزه مبارزه با ظلم	کوراوغلو	نعل کردن قیرآت دمیچی‌اوغلو/ مبارزه مؤثرتر	دمیچی	قیرآت	دمیچی‌اوغلو/ قیرآت کوراوغلو و یارانش / توده مردم
انتقام از کوراوغلو	دمیچی‌اوغلو	انتقام / قیرآت	کوراوغلو	-	دمیچی‌اوغلو / کوراوغلو

۵. سفر کوراوغلو به استانبول: روایت میرزا علی‌صیف احمدی

نگار، دختر پاشای استانبول، نامه‌ای برای کوراوغلو می‌فرستد و از او کمک می‌خواهد. کوراوغلو به‌رغم مخالفت یارانش، به استانبول می‌رود. در بین راه، به خانه یک آسیابانی می‌رود و خود را معرفی می‌کند و سراغ دربار و عمارت دختر خان بزرگ استانبول را می‌گیرد. همسر آسیابان، او را راهنمایی می‌کند و کوراوغلو به کمک باغبان، وارد باغ می‌شود، نگار را می‌بیند و مجذوب او می‌شود. نگار ابتدا از سر غرور، به کوراوغلو اعتنا نمی‌کند؛ اما کوراوغلو سازش را به دست می‌گیرد و ترانه‌ای در وصف نگار و شرح عشق خود به او می‌خواند. سرانجام، با موافقت نگار، او را می‌دزدد و راه چنلی‌بئل را پیش می‌گیرد. پاشا

مقاله پژوهشی

قضیه را می‌فهمد و بلافاصله با لشکری تعقیب‌شان می‌کند؛ کورواغلو و یارانش که به یاری او آمده‌اند، لشکر پاشا را شکست می‌دهند و به چنلی‌بئل برمی‌گردند (ناصری، ۱۳۸۸: ۵۶-۶۹).

«طرح و مضمون ربودن و به‌دست‌آوردن عروس، تقریباً در تمام نسخه‌ها و گونه‌های داستان کورواغلو، با تغییرات متعددی، دیده می‌شود. ربودن عروس در این داستان، از نوعی است که در آن، عروس به فرار رضایت می‌دهد و حتی خودش راهنما و یاریگر قهرمان است. موانع پیوند عاشقان در ابتدا با حيله و نیرنگ و بعد، در حین فرارشان، با قهرمانی و دلاوری‌های قهرمان برطرف می‌شود» (Reichel، ۱۹۹۲: ۱۵۴-۱۵۳)؛ بنابراین، نگار هم یاریگر و هم هدف است و چون با فرستادن نامه، کورواغلو را به سفر و ربودن خودش ترغیب کرده است، فرستنده و فاعل نیز هست و در نهایت، از نتیجه کنش خودش و کورواغلو بهره‌مند می‌شود؛ به چنلی‌بئل می‌رود و با کورواغلو ازدواج می‌کند. علاوه بر این، عملکرد نگار، نقض قانون نانوشته‌ای است که سلطه و قدرت سیاسی پاشاها و خوانین پشتوانه آن است؛ قانونی که مرزی گذرناپذیر میان طبقات فرودست و فرادست جامعه ترسیم می‌کند و هرگونه همراهی و از همه مهم‌تر عشق و ازدواج میان افراد دو سوی مرز را غیرممکن و حتی غیراخلاقی قلمداد می‌کند؛ بنابراین، در همه داستان‌های ربودن عروس، عملکرد زنان داستان و کورواغلو و یارانش، در نهایت، به معنی نقض قانون نانوشته‌ای است که ثروت و قدرت سیاسی زمین‌داران بزرگ پشتوانه الزام‌آور بودن آن است.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یاریگر	گیرنده
نگار	کورواغلو	نگار	پدر و برادر نگار/ قانون	زن آسیابان/ باغبان/ ساز و خنیاگری کورواغلو قیرآت/ یاران کورواغلو	نگار، کورواغلو
عشق	نگار	کورواغلو	پدر و برادر نگار/ قانون	کورواغلو و یارانش	نگار، کورواغلو

۶. آمدن عاشق جنون به چنلی‌بئل: روایت عاشق مناف رنجبری

عاشق جنون نمی‌تواند مالیات خود را پرداخت کند. گولوم بیگ، مالک بزرگ منطقه، او را تهدید می‌کند که اگر ظرف پنج ماه بدهی‌اش را ندهد، خانواده‌اش را گروگان می‌گیرد. عاشق برای کارکردن به سفر می‌رود و به راهنمایی پیرمردی نجار به یاران کورواغلو می‌پیوندد. در نبود او، بیگ فرزندان‌اش را آواره و همسرش را به خانه خود می‌برد. کورواغلو، پس از مطلع شدن از درد و رنج عاشق جنون، با نقشه‌ای هوشمندانه به سرزمین بیگ می‌رود و بعد، لشکر چنلی‌بئل به رهبری او، به زمین‌های خان می‌تازد، او را شکست می‌دهد و خانواده عاشق را آزاد می‌کند (ناصری، ۱۳۸۸: ۷۰-۹۵).

مقاله پژوهشی



در این داستان هم هدف کوراوغلو و مبارزان چنلی‌بئل فقط نجات خانواده عاشیق جنون نیست؛ بلکه مبارزه با خان‌ها و پاشاهای ستمگر و رهایی همه مردم از ستم آنها، هدف غایی مبارزان چنلی‌بئل است.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یاریگر	گیرنده
نیاز عشق به خانواده	عاشیق جنون	نجات خانواده	گولوم‌بیگ	پیرمرد نجار / کوراوغلو مبارزان چنلی‌بئل	عاشیق جنون و خانواده‌اش
کمک به عاشیق انگیزه مبارزه	کوراوغلو	مبارزه با ستمگران نجات خانواده عاشیق	گولوم‌بیگ و جاسوسانش	مبارزان چنلی‌بئل	عاشیق جنون و خانواده‌اش توده مردم

۷. سفر ترکمن کوراوغلو (آوردن ایواز): روایت عاشیق هدایت مهری

در چنلی‌بئل جشن برپاست ولی نگار خانم از بی‌فرزندگی اندوهگین است. عاشیق جنون برای یافتن فرزند لایق به سرزمین ترکمن‌ها می‌رود و جوانی به نام ایواز را به چنلی‌بئل می‌آورد و کوراوغلو و نگار او را چون پسر خود می‌پذیرند (ناصری، ۱۳۸۸: ۹۶-۱۱۸).

اگرچه عنوان داستان سفر ترکمن کوراوغلوست، قهرمان و کنشگر اصلی داستان، عاشیق جنون است و نه کوراوغلو. سفر او با هدف پیدا کردن فرزند برای کوراوغلو آغاز می‌شود و یگانه سلاح و یاریگر او در این سفر، هنر زبان‌آوری و خنیاگری اوست. پیدا کردن ایواز و آوردن او به چنلی‌بئل، فقط مایه شادی کوراوغلو و نگار نیست؛ بلکه ایواز تبدیل به یکی از پهلوانان به نام چنلی‌بئل می‌شود و وجود او برای مبارزان چنلی‌بئل و نهضت آنها و در نتیجه توده مردم هم غنیمت شمرده می‌شود.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یاریگر	گیرنده
نگار و اندوه بی‌فرزندگی ارادت عاشیق به کوراوغلو و نگار	عاشیق جنون	یافتن فرزند برای کوراوغلو و نگار ایواز	پدر ایواز (در ابتدا)	ساز و خنیاگری عاشیق مادر ایواز	کوراوغلو / نگار نهضت مبارزه توده مردم

۸. سفر ارض‌روم کوراوغلو: روایت عاشیق حکم‌علی کلهر

تल्ली^۱ خانم، دختر جعفر پاشا، حاکم ارض‌روم، با شنیدن ترانه‌های عاشیق جنون، دل‌باخته کوراوغلو می‌شود و نامه‌ای برایش می‌فرستد. دمیرچی‌اوغلو داوطلب آوردن تल्ली خانم می‌شود، در لباس عاشیقی و با کمک پیرزنی وارد شهر می‌شود و در مجلس جعفر پاشا ترانه می‌خواند و تल्ली را که شیفته او شده، با خود می‌برد. در میانه راه، لشکر جعفر پاشا، در نبردی

¹ Telli



مقاله پژوهشی

نابرابر، دمیرچی اوغلو را اسیر می‌کند و همراه با تثللی به ارض روم می‌برد. کورواغلو ابتدا خودش در هیئت عاشیقی به شهر می‌رود و بعد با همراهی سپاهش، دمیرچی اوغلو را از بند نجات می‌دهد و با تثللی به چنلی بئل برمی‌گرداند. داستان با ازدواج دمیرچی اوغلو و تثللی به پایان می‌رسد (ناصری، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۴۰).

این داستان، تکرار داستان آوردن نگار به چنلی بئل است؛ با این تفاوت که کورواغلو خودش برای آوردن عروس عازم سفر نمی‌شود. در این داستان هم عروس، خودش زمینه دزدیده شدن را فراهم می‌کند و با رضایت خاطر، همراه معشوقش از شهر فرار می‌کند؛ بنابراین، او هم مثل نگار، هم در نقش فاعل و هم در نقش فرستنده ظاهر می‌شود.

گیرنده	یارِ یگر	بازدارنده	مفعول (هدف)	فاعل	فرستنده
تثللی خانم دمیرچی اوغلو	دمیرچی اوغلو	جعفرپاشا قانون	پیوستن به کورواغلو دمیرچی اوغلو	تثللی خانم	فرار از خانه پدری پیوستن به چنلی بئل
تثللی خانم دمیرچی اوغلو	پیرزن / کورواغلو مبارزان چنلی بئل	جعفرپاشا قانون	تثللی خانم	دمیرچی اوغلو	تثللی خانم کورواغلو
تثللی خانم دمیرچی اوغلو	مبارزان چنلی بئل	جعفرپاشا قانون	دمیرچی و تثللی خانم	کورواغلو	نجات دمیرچی اوغلو

۹. سفر کورواغلو به کردستان: روایت عاشیق عزیز کی قباد

این داستان، با تغییراتی بسیار جزئی، تکرار کامل داستان کورواغلو و نگار است و ماجرا از جایی شروع می‌شود که خواجه یعقوب در شکارگاه به کورواغلو می‌رسد و از دیدارش با لیلی خانم، دختر زیبای احمد پاشا، می‌گوید و از اینکه لیلی با شنیدن وصف کورواغلو به او دل باخته و دسته‌گلی را همراه با طره‌ای از زلف خود به‌عنوان پیغام برای کورواغلو فرستاده است. کورواغلو همراه چند تن از یارانش برای دیدار با لیلی عازم سفر می‌شود و با راهنمایی پیرمردی به باغ پاشا می‌رسد. کنیزان لیلی با شنیدن نغمه‌ساز و صدای گیرای کورواغلو، او را نزد بانوی خود می‌برند و لیلی با شنیدن اشعار حماسی و عاشقانه شورانگیز کورواغلو، بیش‌ازپیش شیفته او می‌شود. سرانجام، کورواغلو و لیلی با همراهی یاران کورواغلو از قصر می‌گریزند. پاشا لشکری را به تعقیب آنها می‌فرستد، جنگ درمی‌گیرد، کورواغلو و یارانش پیروز می‌شوند و لیلی را به چنلی بئل می‌برند (ناصری، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۶۲).

گیرنده	یارِ یگر	بازدارنده	مفعول (هدف)	فاعل	فرستنده
کورواغلو و لیلی خانم	خواجه یعقوب	احمد پاشا / قانون	کورواغلو	لیلی خانم	عشق
کورواغلو و لیلی خانم	پیرمرد یاران کورواغلو	احمد پاشا قانون	لیلی خانم	کورواغلو	لیلی خانم خواجه یعقوب

۱۰. کوراوغلو و کچل حمزه: روایت عاشیق حسن اسکندری

پاشاها برای محاصره چنلی‌بئل نقشه می‌کشند و حسن پاشا که قدرت کوراوغلو را به وجود قیرآت وابسته می‌داند، وعده می‌دهد هرکس قیرآت را بیاورد، او را ثروتمند می‌کند و دخترش را نیز به عقد او درمی‌آورد. کچل حمزه داوطلب می‌شود؛ به چنلی‌بئل می‌رود، با ظاهر فقیرانه و ناله‌های فریب‌کارانه خود، اعتماد کوراوغلو را جلب می‌کند، در مقام مهتر او مشغول به کار می‌شود و در فرصتی مناسب، دورآت را می‌دزد. کوراوغلو سوار بر قیرآت، کچل حمزه را تا آسیایی دنبال می‌کند؛ اما باز هم فریب می‌خورد و این بار، کچل حمزه سوار بر قیرآت می‌گریزد و اسب را نزد حسن پاشا می‌برد. کوراوغلو در لباس عاشیقی دوره‌گرد وارد شهر می‌شود و به راهنمایی پیرزنی، محل نگهداری قیرآت را می‌یابد. روز بعد، در جریان جشن عروسی کچل حمزه، سازه‌دست وارد قصر پاشا می‌شود، قیرآت را پیدا می‌کند و سوار بر اسب، از قصر می‌گریزد. حسن پاشا و مهمانانش او را تعقیب می‌کنند؛ اما به گرد پای قیرآت هم نمی‌رسند (ناصری، ۱۳۸۸: ۱۶۳-۲۰۳).

این داستان، یکی از مشهورترین ماجراهای کوراوغلوست. کچل، ضدقهرمان داستان، از شخصیت‌های آشنا و سرشناس قصه‌های ایرانی است که «در قصه‌های سرزمین‌های تحت نفوذ ترک نیز وجود دارد و در هر دو جا خصلت‌های مشترکی را به او نسبت داده‌اند. کچل در ابتدای قصه‌ها، موجودی است مطرود که یا تنبل است یا ترسو و در هر حال تنگ‌دست و فقیر؛ اما به محض اینکه از او انجام‌دادن اقدامی خواسته می‌شود، با به‌کاربردن حيله و زرنگی، هفت‌خطی و بی‌باکی و جسارت، خود را از اقران ممتاز می‌کند. از این طریق است که او مشکل‌ترین وظایف را انجام می‌دهد و سرانجام، اغلب با شاهزاده خانم ازدواج می‌کند» (مارزلف، ۱۳۷۶: ۴۲). در افسانه‌های آذربایجان «کچل اغلب با وزیر و گاهی با پادشاه درمی‌افتد و همیشه... پیروز می‌شود و یکهو می‌بینیم داماد پادشاه شد یا به‌جای پادشاه نشست» (بهرنگی و دهقانی، ۱۳۴۸: ۷). کچل حمزه، همه ویژگی‌های شخصیت آشنای کچل را دارد؛ هفت‌خط و جسور است، به‌راحتی کوراوغلو را فریب می‌دهد و از دست او جان سالم به در می‌برد و اگرچه در ظاهر در خدمت پاشاهاست، در حقیقت برای منفعت و تغییر وضعیت خودش، یعنی ازدواج با دختر حسن - پاشا، وارد ماجرا می‌شود و به هدف هم می‌رسد.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یاریرگر	گیرنده
حسن پاشا	کچل حمزه	ازدواج با دختر پاشا، قیرآت	کوراوغلو	-	کچل حمزه/ پاشاها
پس‌گرفتن قیرآت انگیزه و آرمان مبارزه	کوراوغلو	قیرآت مبارزه با پاشاها	پاشاها	پیرزن	کوراوغلو / قیرآت مبارزان و نهضت مبارزه

۱۱. سفر به بغداد: روایت عاشیق محمد بیرامی

اصلان پاشا با هدف تحقیر کورواغلو و یارانش، آنها را به مهمانی دعوت می‌کند. کورواغلو به نیت پاشا پی می‌برد و در همان مجلس، شعری پرشور می‌خواند و از این طریق، به یارانش هشدار می‌دهد و رمزی را برای حمله به پاشا مشخص می‌کند. به دستور پاشا، سه یار کورواغلو را به چوبه دار می‌بندند و تحت بازجویی قرار می‌دهند؛ اما هر سه جز ستایش کورواغلو چیزی بر زبان نمی‌آورند. با اشاره کورواغلو، یارانش از دروازه‌ها به بغداد هجوم می‌آورند و نبرد آغاز می‌شود. در همین گیرودار، گیزیرواغلو^۱ مصطفی بیگ، علی‌رغم دشمنی دیرینه‌اش با کورواغلو، ناجوانمردی اصلان پاشا را تاب نمی‌آورد و همراه یارانش به کمک کورواغلو می‌آید. سرانجام، یاران کورواغلو آزاد می‌شوند و زنان بغداد که نابودی شهر را نظاره‌گر هستند، معجزه‌هایشان را زیر پای کورواغلو می‌اندازند و از او می‌خواهند که جنگ را پایان دهد. کورواغلو، درخواست آنها را می‌پذیرد، اصلان پاشا را می‌بخشد و همراه با یارانش، گیزیرواغلو و بهتاش بازرگان، فاتحانه به چنلی‌بئل برمی‌گردد (ناصری، ۱۳۸۸: ۲۰۴-۲۳۵).

در این داستان، ابتدا اصلان پاشا در مقام فاعل و با انگیزه تحقیر کورواغلو، سه نفر از یاران نزدیک او را به بند می‌کشد. کورواغلو در مقابله با او و در جایگاه فاعل، برای آزادی یارانش تلاش می‌کند و در نهایت، کنش فعالانه زنان بغداد، به جنگ خاتمه می‌دهد. در نهایت، مبارزه کورواغلو با حاکم ثروتمند و ظالم منطقه و نه فقط شکست دادن او در میدان جنگ بلکه شکستن هیمنه قدرت او، دستاوردی است که توده مردم فقیر و ستمدیده هم از آن بهره‌مند می‌شوند.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یاریرگر	گیرنده
انگیزه تحقیر کورواغلو	اصلان پاشا	کورواغلو و یارانش	-	لشکریان و امرای پاشا	اصلان پاشا همه پاشاهای ستمگر
انگیزه نجات یاران انگیزه مبارزه با ظلم	کورواغلو مردان چنلی‌بئل	مبارزه با ظلم نجات هم‌زمان دربند	اصلان - پاشا	گیزیرواغلو بهتاش بازرگان	کورواغلو و هم‌زمانش گیزیرواغلو / توده مردم
انگیزه پایان دادن به جنگ و نجات شهر	زنان بغداد	نجات شهر و جلوگیری از خون‌ریزی بیشتر	اصلان - پاشا	کورواغلو	مردم شهر بغداد اصلان پاشا

۱۲. کورواغلو و علم‌قلی خان: روایت عاشیق محمدرضا قلعه‌ای

غلامی سیاه‌پوست با حیله و نیرنگ وارد چنلی‌بئل می‌شود و در فرصتی مناسب، اسب کورواغلو، عرب‌آت را می‌دزد و آن را به علم‌قلی خان می‌فروشد. کورواغلو به سه سردار خود مأموریت می‌دهد که بروند و اسب را پس بگیرند. خان در ابتدا از

¹ Giziroğlu



مقاله پژوهشی



برگرداندن اسب و غلام امتناع می‌کند و با لشکرش به آن‌ها حمله می‌کند؛ اما شکست می‌خورد و بعد، با تدبیر دخترش، رقیه، از در صلح وارد می‌شود و اسب و غلام را تسلیم یاران کوراوغلو می‌کند (ناصری، ۱۳۸۸: ۲۳۶-۲۵۲).

داستان، طرح ساده‌تری از ماجرای کچل حمزه با کوراوغلوست و فقط ماجرای تعقیب‌و‌گریز و درگیری سرداران کوراوغلو و لشکر خان، کمی به طول داستان افزوده است. واردشدن رقیه در ماجرا و تدبیر او هم تمهیدی است برای پایان‌دادن به درگیری و در نهایت، بازگشت موفقیت‌آمیز یاران کوراوغلو به چنلی‌بئل.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یاریگر	گیرنده
کسب منفعت مادی	غلام سیاه	عرب‌آت	کوراوغلو یاران کوراوغلو	علم‌قلی خان	غلام سیاه علم‌قلی خان
کوراوغلو	سه تن از مردان چنلی‌بئل	عرب‌آت غلام سیاه	علم‌قلی خان	سپاهیان خان	کوراوغلو و یارانش توده مردم
علاقه به پدر انگیزه برقراری آرامش	رقیه	نجات پدر خاتمه‌دادن به جنگ	-	-	رقیه علم‌قلی خان توده مردم

۱۳. سفر روم کوراوغلو: روایت عاشیق حیدر محمودی

عاشیق جنون، به‌منظور یافتن دختری مناسب برای کوراوغلو، از چنلی‌بئل به شهر روم می‌رود و با محبوب خانم، دختر زیبای مهدی پاشا، دیدار می‌کند. محبوب خانم تحت‌تأثیر ترانه‌های عاشیق، شیفته کوراوغلو می‌شود. عاشیق، پیام محبوب را به کوراوغلو می‌رساند و بللی‌احمد^۱ داوطلب آوردن محبوب می‌شود؛ به روم می‌رود و با محبوب دیدار می‌کند؛ اما به‌خاطر درگیری در بازار و کشتن سازبند، دستگیر می‌شود. پاشا که تصور می‌کند بللی‌احمد کوراوغلوست، می‌خواهد او را سنگ‌باران کند. محبوب، پدرش را متقاعد می‌کند که بللی‌احمد، کوراوغلو نیست و بهتر است به‌جای کشتن او، برای مقابله با حمله احتمالی کوراوغلو تدبیری بیندیشد و در همین حین، کنیزش را روانه چنلی‌بئل می‌کند تا به کوراوغلو خبر بدهد. کوراوغلو و یارانش شبانه به روم حمله می‌کنند و به کمک محبوب، بللی‌احمد را نجات می‌دهند و به چنلی‌بئل برمی‌گردند (ناصری، ۱۳۸۸: ۲۵۳-۲۷۰).

¹. Bellyahme

مقاله پژوهشی

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یاریگر	گیرنده
کوراوغلو	عاشیق جنون	محبوب خانم	مهدی پاشا / قانون	ساز و خنیاگری عاشیق	کوراوغلو / محبوب
عشق	محبوب خانم	کوراوغلو	مهدی پاشا / قانون	عاشیق جنون	کوراوغلو / محبوب
کوراوغلو	بللی احمد	محبوب خانم	مهدی پاشا قانون	محبوب و کنیزش کوراوغلو و یارانش	کوراوغلو / محبوب
محبوب نجات بللی احمد	کوراوغلو یاران کوراوغلو	محبوب خانم بللی احمد	مهدی پاشا قانون	محبوب خانم	کوراوغلو / محبوب بللی احمد

۱۴. سفر دربند کوراوغلو: روایت عاشیق گلاب داوودی

روایت از زبان حسن، پسر دلاور کوراوغلو، آغاز می‌شود که برای پیدا کردن پدرش، زادگاهش داغستان را ترک می‌کند و رهسپار چنلی‌بئل می‌شود. در میانه راه، با لشکر جعفر پاشا روبه‌رو می‌شود و پیروز از میدان بیرون می‌آید. با راهنمایی پیرمردی، راه چنلی‌بئل را پیش می‌گیرد و ندانسته، وارد چراگاهی ممنوعه می‌شود. یاران کوراوغلو که در چراگاه مشق جنگ می‌کنند، یکی‌یکی برای شناسایی حسن به سویش می‌آیند و همه اسیر دست او می‌شوند. کوراوغلو خبردار می‌شود و پدر و پسر ندانسته با هم می‌جنگند. حسن دو بار بر کوراوغلو غلبه می‌کند؛ اما به رسم جوان‌مردی او را نمی‌کشد. در نبرد سوم، کوراوغلو بر حسن چیره می‌شود و می‌خواهد او را گردن بزند؛ اما با وساطت نگار خانم، هویت حسن آشکار می‌شود و پدر و پسر یکدیگر را در آغوش می‌گیرند (ناصری، ۱۳۸۸: ۲۷۱-۲۹۸).

در این داستان هم مثل داستان آوردن ایواز، ملحق شدن حسن به جمع مبارزان چنلی‌بئل، به معنی قدرت بیشتر مبارزان و تقویت آرمان عدالت‌خواهی است و بنابراین، در نهایت توده مردم هم از پیدایی پهلوان نورسیده سود می‌برند.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یاریگر	گیرنده
انگیزه یافتن پدر	حسن	کوراوغلو	جعفر پاشا یاران کوراوغلو	پیرمرد نگار خانم	کوراوغلو / حسن
نجات یاران از بند حسن	کوراوغلو	حسن	قدرت و شجاعت حسن	نگار خانم	کوراوغلو / حسن آرمان عدالت‌خواهی و توده مردم

۱۵. سفر بالیجای کوراوغلو: روایت عاشیق حسین‌علی حسینی

مقاله پژوهشی



ایلخی کوراوغلو در فصل بهار، گلۀ اسب‌ها و از جمله دورآت، اسب محبوب کوراوغلو را به چرا می‌برد و ناخواسته وارد زمین‌های قارا خان، خان بالیجار، می‌شود. قارا خان اسب‌ها را تصاحب می‌کند و به اصطبل خود می‌برد. کوراوغلو خبردار می‌شود و همراه دلاورانش به‌سوی بالیجار می‌رود؛ ابتدا در لباس ایلخچی وارد قصر می‌شود و پس از ورود یارانش به شهر، جنگی در می‌گیرد. قارا خان کشته می‌شود و مهتر او به مبارزان چنلی‌بل می‌پیوندد و همگی، همراه با اسب‌ها و خزانه خان به خانه برمی‌گردند (ناصری، ۱۳۸۸: ۳۰۰-۳۱۱).

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یارِیگر	گیرنده
پس‌گرفتن اسب‌ها آرمان مبارزه با ستم	کوراوغلو و یارانش	اسب‌ها مبارزه با قارا خان	قارا خان لشکر خان	مهتر قارا خان	کوراوغلو و یارانش توده مردم

۱۶. سفر تخت سلیمان کوراوغلو: روایت عاشیق بصیر عبادی

خواجه یعقوب از زیبایی خورشید خانم، دختر ایاز بیگ، برای کوراوغلو می‌گوید. کوراوغلو دل‌باخته می‌شود و در لباس عاشیق به تخت سلیمان می‌رود. با شعر و موسیقی دل دختر را می‌برد؛ اما پدر شک می‌کند. پس از مدتی، خورشید خانم با او می‌گریزد. ایاز بیگ، با سپاهی بزرگ آنها را دنبال می‌کند؛ اما سپاه چنلی‌بئل وارد میدان می‌شود، بیگ شکست می‌خورد و پسرش هم در جنگ کشته می‌شود (ناصری، ۱۳۸۸: ۳۱۲-۳۳۸).

این داستان هم تکرار طرح کلی داستان‌های ربودن عروس است؛ با این تفاوت که این بار کنشگر آغازین ماجرا، دختر پاشا نیست؛ در آغاز داستان، کوراوغلو عاشق می‌شود و برای به‌دست‌آوردن دل عروس، اولین ابزار و یاریگر او، خنیاگری است.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یارِیگر	گیرنده
خواجه یعقوب عشق	کوراوغلو	خورشید خانم	ایاز پاشا قانون	خنیاگری یاران کوراوغلو	کوراوغلو خورشید خانم

۱۷. آمدن حسن پاشا به چنلی‌بئل: روایت عاشیق غیاث جباری اصل

خوتکار (خان بزرگ) از بازگشت و قدرت‌گرفتن پسر کوراوغلو می‌ترسد و حسن پاشا را مأمور نابودی او می‌کند. حسن پاشا با سپاهی بزرگ می‌آید و با فریب می‌خواهد کوراوغلو را گرفتار کند. کوراوغلو نقشه او را می‌فهمد، سپاهش را سامان می‌دهد و در نبردی ناگهانی، دشمن را شکست می‌دهد (ناصری، ۱۳۸۸: ۳۳۹-۳۵۲).

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یارِیگر	گیرنده
خان بزرگ	حسن پاشا	کوراوغلو و پسرش	مبارزان چنلی‌بئل	سپاه پاشا	خان بزرگ / پاشا

مقاله پژوهشی

آرمان مبارزه و عدالت خواهی	کورواغلو و مردان چنلی بل	مبارزه با ظلم خان بزرگ و پاشاها	سپاه حسن پاشا	-	کورواغلو و یارانش توده مردم
----------------------------	--------------------------	---------------------------------	---------------	---	-----------------------------

۱۸. داستان گیزراوغلو مصطفی بیگ: روایت عاشق رضا پوینده

داستانی است در ستایش جوانمردی و درگیری چندانی ندارد. دلی مهتر، مهتر قیرآت، به خاطر اینکه کورواغلو او را تنبیه کرده است، کینه به دل می گیرد و اسب را می دزدد و نزد مصطفی بیگ، دشمن دیرینه کورواغلو می برد. قیرآت به اسب مصطفی بیگ حمله می کند، مصطفی بیگ قیرآت را می شناسد و از سر جوانمردی، تصمیم می گیرد اسب را به صاحبش برگرداند. در پایان، دلی مهتر توبه می کند، مصطفی بیگ وفاداری خود را نشان می دهد و داستان با یادآوری نزاع قدیمی دو پهلوان و احترام متقابل شان حتی در میانه جنگ، به پایان می رسد (ناصری، ۱۳۸۸: ۳۵۳-۳۶۶).

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یارِ یگر	گیرنده
خشم و کینه مهتر	دلی مهتر	قیرآت	قیرآت / مصطفی بیگ	-	دلی مهتر
جوانمردی	مصطفی بیگ	ادای رسم جوانمردی	-	قیرآت	کورواغلو مصطفی بیگ

۱۹. سفر قاری کورواغلو: روایت عاشق خان علی سلطانی

عرب ریحان، دشمن قدیمی، کورواغلو را اسیر می کند. نگار خانم، برای نجات او، ایواز را با همراهی سپاهی به قارس می فرستد. ایواز در نبردی سخت، عرب ریحان را می کشد و کورواغلو را آزاد می کند و همگی با افتخار به چنلی بل برمی گردند (ناصری، ۱۳۸۸: ۳۶۷-۳۹۵).

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یارِ یگر	گیرنده
نگار خانم	ایواز	کورواغلو	عرب ریحان و سپاهش	سپاهیان ایواز	ایواز / کورواغلو مبارزان چنلی بل / آرمان مبارزه

۲۰. مردن و زنده شدن ایواز: روایت عاشق قاسم رستمی

محمود خان، مأمور دستگیری کورواغلو می شود و لیلی خانم، برادرزاده اصلان پاشا، با نوشتن نامه ای تحقیرآمیز، سعی می کند کورواغلو را به دام بیندازد؛ اما کورواغلو، ایواز را به مقابله خان می فرستد. ایواز گرفتار و زندانی می شود و لیلی خانم که

مقاله پژوهشی



از کار خود پشیمان شده، مرگ ایواز را صحنه‌سازی می‌کند و بعد، با کمک کانکان‌اوغلو^۱ و مرجان خانم، خواهر محمود خان، او را از زندان فراری می‌دهد (ناصری، ۱۳۸۸: ۳۹۶-۴۵۲).

کوراوغلو، بی‌خبر از ایواز، شهر روم را محاصره می‌کند و اعلان پاشا به‌دروغ می‌گوید که ایواز سوزانده شده است؛ اما خیلی زود خبر می‌رسد که ایواز قرار است در بایازید اعدام شود. کوراوغلو به‌سرعت به بایازید می‌رود؛ اما با جنازه‌ای بی‌سر روبه‌رو می‌شود و به سوگ ایواز می‌نشیند. در این حال، قیرآت، به‌تنهایی با لشکر دشمن می‌جنگد تا اینکه یاران کوراوغلو از راه می‌رسند و دشمن را شکست می‌دهند. مراسم تشییع ایواز برگزار می‌شود؛ اما کمی بعد، ایواز زنده و همراه با کانکان‌اوغلو و مرجان خانم به چنلی‌بئل می‌آید. بازگشت ایواز موجب شادمانی مبارزان چنلی‌بئل و قدرت‌گرفتن بیشتر نهضت مبارزه می‌شود.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یارِ یار	گیرنده
کینه و دشمنی	محمود خان لیلی	کوراوغلو	-	-	محمودخان پاشاها
کوراوغلو	ایواز	مبارزه با دسیسه محمود خان	محمودخان	لیلی و مرجان کانکان‌اوغلو	ایواز / کوراوغلو مبارزان چنلی‌بئل
نجات ایواز	کوراوغلو	ایواز	اعلان پاشا	قیرآت و یاران کوراوغلو	ایواز / کوراوغلو مبارزان چنلی‌بئل لیلی، مرجان، کانکان‌اوغلو نهضت مبارزه با ظلم

۲۱. کوراوغلو و بولو بیگ: روایت عاشیق فرج‌الله مرادی

این داستان، روایت دیگری از کورشدن پدر کوراوغلوست. علی خان، اسب‌پرور ماهر که در خدمت بیگ منطقه است، کره‌ای به نام قیرآت دارد. بیگ طماع برای تصاحب اسب، چشمان علی خان را کور می‌کند. پسرش، رثوف، نام خود را کوراوغلو می‌گذارد و سوگند می‌خورد که انتقام پدر را بگیرد. او همراه پدرش به کوه‌های چَملی‌بیل^۲ پناه می‌برد. کوراوغلو شمشیرزن و سوارکاری ماهر و عدالت‌خواه و نیز شاعر و خواننده‌ای تواناست که آوازه‌اش همه‌جا شنیده می‌شود و کم‌کم دلاوران بسیاری به او می‌پیوندند و گروه آنها، اموال ثروتمندان ستمگر را می‌دزدند و میان نیازمندان تقسیم می‌کنند. کوراوغلو و نرگس، دختر بیگ، دلباخته هم می‌شوند و با هم از قصر فرار می‌کنند و سال‌ها چَملی‌بیل به خوشی با هم زندگی می‌کنند. در این سال‌ها، کوراوغلو و یارانش بی‌وقفه با خان‌های ستمگر مبارزه می‌کنند؛ گاه شکست می‌خورند و گاه پیروز می‌شوند و سرانجام، روزی

^۱. kankanoğlu^۲. Chamlibeyel

مقاله پژوهشی

فرامی‌رسد که بیگ پیر و خسته از ظلم، از در آشتی درمی‌آید و دست صلح به‌سوی کوراوغلو دراز می‌کند و کوراوغلو درخواست او را می‌پذیرد (ناصری، ۱۳۸۸: ۴۵۳-۴۶۹).

گیرنده	یارِیگر	بازدارنده	مفعول (هدف)	فاعل	فرستنده
کوراوغلو تودهٔ مردم	یاران کوراوغلو	قدرت و ثروت خان‌های ستمگر	انتقام‌گرفتن مبارزه با ظلم	کوراوغلو (رئوف)	انگیزهٔ انتقام و مبارزه با ستمگران
کوراوغلو نرگس	یاران کوراوغلو	بیگ (پدر نرگس) قانون	کوراوغلو نرگس	کوراوغلو نرگس	عشق

۲۲. عروس آوردن کوراوغلو: روایت عاشیق عادل الیفی

این داستان هم تکرار ماجرای دزدیدن عروس است یا این تفاوت که حسن، پسر کوراوغلو، می‌فهمد که پدرش عاشیق زرنشان، دختر قارا پاشا، شده است و با موافقت نگار خانم، داوطلب می‌شود تا به آغ‌شهر برود و زرنشان خانم را برای پدرش خواستگاری کند. در ورود به آغ‌شهر، به توصیهٔ پدرش، نزد عبدالرحمان مهترباشی می‌رود و با کمک پیرزنی که برای زرنشان حنا می‌گذارد، پنهانی با دختر دیدار می‌کند. حسن و زرنشان خانم مشاعره می‌کنند و زرنشان مجذوب هوش و جسارت حسن و دلباختهٔ کوراوغلو می‌شود. به‌این‌ترتیب حسن، دل زرنشان را به دست می‌آورد و او را برای پدرش به چنلی‌بئل می‌آورد (ناصری، ۱۳۸۸: ۴۸۸-۴۷۰).

گیرنده	یارِیگر	بازدارنده	مفعول (هدف)	فاعل	فرستنده
کوراوغلو زرنشان خانم	خنیاگری حسن عبدالرحمان، پیرزن حنابند	قارا پاشا قانون	زرنشان خانم	حسن	کوراوغلو

۲۳. دوران پیری کوراوغلو: روایت عاشیق علی رضانی

کوراوغلو در گذر سال‌ها، پیر و قیرآت گم شده است. مردان چنلی‌بئل، یاران وفادار کوراوغلو هریک به سویی رفته‌اند و دشمنان آماده حمله‌اند. خواجه احمد، یار وفادار کوراوغلو، دلاوران و یاران قدیم را دوباره دور هم جمع می‌کند و ایواز، قیرآت محبوب پدر را پیدا می‌کند و نزد او می‌آورد. دیدار قیرآت، روح کوراوغلو را زنده می‌کند؛ دوباره شمشیر به کمر می‌بندد و همراه یارانش پا به میدان مبارزه می‌گذارد (ناصری، ۱۳۸۸: ۴۸۹-۵۲۰).

بازگشت دوبارهٔ کوراوغلو به میدان رزم، به معنی حیات دوبارهٔ آرمان عدالت‌خواهی است و بنابراین، تودهٔ مردم که از ستم خان‌ها و پاشاها در رنج‌اند، گیرندگان اصلی این داستان‌اند.

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یارِیگر	گیرنده
تهدید دشمن آرمان عدالت‌خواهی ارادت به کوراوغلو	خواجه احمد ایواز	بازگرداندن کوراوغلو به میدان مبارزه قیرآت احیای آرمان و نهضت مبارزه	پاشاها پیری و خستگی کوراوغلو	مردان مبارز و یاران وفادار کوراوغلو قیرآت	کوراوغلو مبارزان عدالت‌خواه یاران قدیم کوراوغلو توده مردم

۲۴. مرگ کوراوغلو: روایت عاشق قلیچ انوری

کوراوغلو در نبردی خونین با لشکر خوتکار شاه روبه‌رو می‌شود و پس از رجزخوانی، ساز را بر زمین می‌گذارد و شمشیر به دست می‌گیرد. دشمن با توسل به شمشیر و تیر و کمان، حریف کوراوغلو نمی‌شود و توپخانه را به میدان می‌آورد. کوراوغلو زخمی و نیمه‌جان، قیرآت را صدا می‌زند. قیرآت با شنیدن صدای کوراوغلو به میدان می‌تازد و با دیدن جسد بی‌جان او به صف دشمن می‌زند و سرانجام، کنار پیکر کوراوغلو جان می‌دهد. نگار خانم و مردم چنلی‌بئل سر می‌رسند و با اشک و اندوه، پیکر قیرآت و کوراوغلو را کنار چهل تن از دلاوران چنلی‌بئل به خاک می‌سپارند (ناصری، ۱۳۸۸: ۵۰۵-۵۲۰).

فرستنده	فاعل	مفعول (هدف)	بازدارنده	یارِیگر	گیرنده
آرمان عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم	کوراوغلو و یارانش قیرآت	احیای نهضت مبارزه	خوتکار شاه و سپاهش سلاح‌های مدرن	یاران کوراوغلو قیرآت	نهضت مبارزه دلاوران چنلی‌بئل توده مردم نسل‌های آینده

نتیجه

نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که رشته داستان‌های کوراوغلو، تکرار یک الگوی ساختاری با تغییراتی اندک در هر داستان است. در این الگو، فاعل یا کنشگر اصلی داستان برای به‌دست‌آوردن هدف مطلوب خود تلاش می‌کند و اگرچه محور طلب، نقش پررنگی در شکل‌گیری داستان دارد، محور قدرت نیز نقشی اساسی در داستان ایفا می‌کند؛ یعنی در اکثر قریب به اتفاق داستان‌ها، نقش بازدارنده و یاریگر، به همان اندازه فاعل و کنشگر اصلی در پیشبرد حوادث داستان اهمیت دارد. این ویژگی و نیز تقسیم نقش فاعل میان کنشگران داستان، نشان می‌دهد که کوراوغلو، کنشگر اصلی

مقاله پژوهشی

همه داستان‌ها و رهبر خودکامه و قهرمان تکرو نیست؛ یاران او داوطلبانه و نه به دستور او، راهی مأموریت می‌شوند، در هر ماجرای، گروهی از یارانش او را همراهی می‌کنند و حتی زمانی که در ابتدا به‌تنهایی وارد معرکه می‌شود، در نهایت با یاری مردان مبارز چنلی‌بئل از مهلکه جان سالم به در می‌برد. علاوه مردان مبارز چنلی‌بئل، همه زنان داستان نیز کنشگران فعالی هستند که در نقش‌های فاعل و یاریگر ظاهر می‌شوند و نه فقط برای خواست خود یا نجات مردم سرزمین‌شان از جنگ و خون‌ریزی، فعّالانه وارد میدان می‌شوند که قانون نانوشته خان‌ها را هم به چالش می‌کشند و به سخره می‌گیرند. همچنین، در نقش فرستنده هم حضوری تعیین‌کننده دارند و این فقط محدود به داستان‌های ربودن عروس نیست.

نقش محور انتقال، یعنی رابطه میان فرستنده و گیرنده نیز در داستان‌ها جالب‌توجه است. در جایگاه فرستنده، بیش از هر چیز انگیزه‌های اشخاص داستان و از همه مهم‌تر انگیزه مبارزه با ظلم و نجات هم‌زمان، عامل شروع ماجرا و کنش کنشگران داستان است. کوراوغلو و یارانش هرگز برای منافع شخصی وارد میدان نمی‌شوند و حتی پنج داستان ربودن عروس، اگرچه با انگیزه‌های شخصی آغاز می‌شوند، در نهایت با زدو خورد جمعی با پاشاها و نقض قانون سختگیرانه و تحقیرآمیز طبقاتی آنها به پایان می‌رسند. به جز این پنج داستان، تقریباً در تمام داستان‌ها، انگیزه کوراوغلو و یارانش، مبارزه با ستم و آرمان عدالت‌خواهی است و در نتیجه، توده مردم مهم‌ترین دریافت‌کنندگان ماجراجویی‌های مبارزان چنلی‌بئل هستند.

در میان مبارزان چنلی‌بئل، عاشیق‌ها مردمی‌ترین و پاک‌بازترین قهرمانان هستند و اگرچه در جایگاه فاعل و یاریگر نقشی کلیدی در داستان‌ها دارند، به‌ندرت در محور انتقال مشارکت دارند؛ نه برای منافع شخصی به میدان می‌روند و نه از نتیجه کنش خود بهره‌مند می‌شوند. کوراوغلو خود خنیاگر و نوازنده‌ای قهار است و حتی در آخرین صحنه نبرد و زندگی‌اش، پس از نواختن ساز و خواندن سرودهای حماسی به استقبال مرگ می‌رود و خنیاگری و ساز در دستان عاشیق‌های مبارز چنلی‌بئل، ابزار قدرتمند مبارزه است. عاشیق‌ها هنرمندان مبارز و رهبران زبان‌آور مبارزه توده مردم با ظلم و بی‌عدالتی هستند و گویی در گذرگاه پره‌رج و مرج تاریخ سراسر رنج این سرزمین، زندگی را تاب آورده‌اند، به حیات خود ادامه داده‌اند و از دل تاریخ سر برآورده‌اند تا همیشه و در همه‌جا، آرمان عدالت‌خواهی و یاد مردان مبارز را با ساز و سرود خود زنده نگاه دارند و صدای خوش و امیدبخش پیروزی مردمی باشند که از ظلم و ستم به جان آمده‌اند.

تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

منابع

احمدی، بابک (۱۳۷۰)، *ساختار و تأویل متن*، تهران: نشر مرکز.

مقاله پژوهشی



- اسکولز، رابرت (۱۳۷۹)، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، تهران: آگاه.
- افندیف، پاشا (۱۳۵۷). *تحلیلی بر حماسه کوراوغلو*، ترجمه شیوا فرهنگمند راد، تهران: ارمغان.
- امیردوست، حدیثه؛ بصیری، محمدصادق؛ حسینی سروری، نجمه (۱۴۰۳)، «تحلیل و مقایسه دو منظومه ویس و رامین و خسرو و شیرین براساس الگوی کنشگری شخصیت‌ها»، *پژوهش‌نامه ادبیات داستانی*، س ۱۳، ش ۱: ۲۵-۵۱.
- اوزون، انور (۱۳۸۸)، *کوراوغلو در ادبیات ملی*، ترجمه و تألیف: داریوش آشوری، تبریز: ندای شمس.
- برتنس، هانس (۱۳۸۴)، *مبانی نظریه ادبی*، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶)، *جستاری چند در فرهنگ ایران*، چاپ ۳، تهران: فکر روز.
- تادیه، ژان ایو (۱۳۷۸)، *نقد ادبی در قرن بیستم*، ترجمه مهشید نونهالی، تهران: نیلوفر.
- تولان، مایکل (۱۳۸۶)، *روایت‌شناسی: درآمدی زبان‌شناختی-انتقادی*، ترجمه سیده فاطمه نبوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت.
- جمالی قهدریجانی، اشرف؛ قنبری نینز، خورشید؛ حجت، محمد (۱۴۰۴)، «روایت‌شناسی قصه و افسانه‌های عامه مردم اصفهان براساس نظریه کنشی گریماس»، *پژوهش‌نامه ادبیات داستانی*، س ۱۴، ش ۲: ۸۹-۱۱۳.
- چادویک، نورا؛ ژیرمونسکی، ویکتور (۱۳۹۵-۲۰۱۶م)، *حماسه‌های شفاهی آسیای میانه*. ترجمه شیوا فرهنگمند راد، استکهلم: نخست.
- حسینی سروری، نجمه (۱۳۹۸)، «مقایسه سندبادنامه و بختیارنامه از نظر الگوی مشارکت‌کنندگان روایت»، *متن‌شناسی/ادب فارسی*، س ۱۱، ش ۱: ۸۹-۱۰۸.
- حسینی سروری، نجمه؛ طالبیان، حامد؛ مولایی، محمدمهدی (۱۳۹۰)، «فراز و فرود نقش رزمنده در روایت سه‌گانه اخراجی‌ها»، *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، س ۱۲، ش ۱۵: ۹-۴۲.
- رسمی، عاتکه (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی داستان‌های رستم و کوراوغلو»، *فرهنگ و ادبیات عامه*، دوره ۱، شماره ۲: ۲۵-۵۲.
- رسمی، عاتکه؛ رسمی، سکینه (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی پیوند عشق و حماسه در شاهنامه فردوسی و داستان کوراوغلو»، *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، ش ۴۰: ۲۰۹-۲۳۸.
- رسمی، عاتکه؛ رسمی، سکینه (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی نقش اسطوره‌ای آب» در داستان کوراوغلو با شاهنامه فردوسی و روایات شفاهی آن، *کهن‌نامه ادب پارسی*، س ۷، ش ۲: ۵۱-۷۷.

مقاله پژوهشی

- رسمی، عاتکه؛ رسمی، سکینه (۱۳۹۵)، «مقایسه نبرد پدر و پسر در داستان‌های رستم و سهراب و کوراوغلو و کرداوغلو»، *فرهنگ و ادبیات عامه*، ش ۱۱: ۱۷۵-۱۹۴.
- رسمی، عاتکه؛ رسمی، سکینه (۱۴۰۱)، «بررسی تطبیقی اسطوره قیرات در روایت‌های مختلف داستان کوراوغلی با اسب‌های اسطوره‌ای شاهنامه»، *پژوهش‌های ادبی*، س ۱۹، ش ۷۸: ۶۳-۸۶.
- ریس‌نیا، رحیم (۱۳۶۸)، *کوراوغلو در افسانه و تاریخ*، چاپ ۲، تبریز: نیما.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
- طایفی، شیرزاد؛ جعفرلو، یونس؛ بوداکی، حجت (۱۴۰۳)، «ساختارشناسی داستان اصلی و کرم بر مبنای الگوی روایی گرماس»، *فرهنگ و ادبیات عامه*، دوره ۱۲، شماره ۵۷: ۱۳۷-۱۶۸.
- فخری، آزاده (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی حماسه کوراوغلو در اقوام آذربایجان، ترکمن و ترکیه»، *فرهنگ مردم ایران*، ش ۴۷: ۵۰-۲۷.
- فخری، آزاده (۱۳۹۲)، «جنبه‌های دراماتیک و اقتباسی حماسه کوراوغلو»، *فرهنگ مردم ایران*، ش ۳۵: ۳۳-۵۲.
- فخری، آزاده؛ صادقی، قطب‌الدین (۱۳۹۳)، «ریخت‌شناسی داستان کوراوغلو و کچل حمزه براساس نظریه پراپ»، *مجله تئاتر*، ش ۵۷: ۹-۲۴.
- گرین، کیت؛ لبیهان، جیل (۱۳۸۳)، *درس‌نامه نظریه و نقد ادبی*، ترجمه لیلا بهرانی محمدی و دیگران، تهران: روزنگار.
- مارتین، والاس (۱۳۸۹)، *نظریه‌های روایت*، ترجمه محمد شهباز، تهران: هرمس.
- مارزلف، اولریش (۱۳۷۶)، *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: سروش.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۶)، *ادبیات عامیانه ایران*. به کوشش حسن ذوالفقاری، چاپ ۳، تهران: چشمه.
- مشهدی، محمدمیر؛ ثواب، فاطمه (۱۳۹۳)، «تحلیل ساختار روایتی داستان بهرام و گل اندام برپایه نظریه گرماس»، *متن-پژوهی ادبی*، س ۱۸، ش ۶۱: ۸۳-۱۰۵.
- مکاریک، ایرنا ریما، (۱۳۸۳)، *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگاه.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۴)، *ادبیات داستانی*، چاپ ۷، تهران: انتشارات سخن.
- ناصری، علی، (۱۳۸۸)، *کوراوغلو در ایران زمین*، تبریز: یاران.
- یلمه‌ها؛ احمدرضا؛ اژدری، هاله (۱۳۹۸)، «روایت‌شناسی منظومه فیروز و شهناز براساس الگوی گرماس»، *روایت‌شناسی*، ص ۳، ش ۶: ۱۳۱-۱۵۸.

Reichl, Karl. (1992). *Turkic oral epic poetry: tradition, forms, poetic structure*. London: Routledge.

References

- Afendiyev, P. (1978). *An analysis of the Koroğlu epic*. Translated by Farahmand Rad, Sh. Tehran, Armaghan. [in Persian]
- Ahmadi, B. (1992). *The Text-Structure and textual interpretation*. Tehran: Markaz Publication. [in Persian]
- Amirdust, H., Basiri, M., Hosseini Sarvari, N. (2024). *A comparative study of Veis and Ramin and Khosrow and Shirin base on the action pattern of the characters*. Research in Narrative Literature. Vol13, No47: 25-51. (Journal)
- Bahar, M. (1997). *Jostari Chand Dar Farhang-e Iran (Some essay about Iranian culture)*. Third edition. Tehran: Fekr-e Rooz. [in Persian]
- Bertens, J. W. (2005). *Literary Theory (The Basics)*. Translated by Abolqasemi, M. Tehran: Mahi. [in Persian]
- Chadwick, N. K. & Zhirmunsky, V. (2016). *Oral Epics of Central Asia*. Translated by Farahmand Rad, SH. Stockholm: Nokhost. [in Persian]
- Fakhri, A. (2016). *A comparative study of the Koroğlu epic in Azerbaijani, Turkmen and Turkish peoples*. Culture of the Iranian people. No47: 27-50. (Journal)
- Fakhri, A. (2013). *Dramatic and Adaptational Aspects of the Koroğlu Epic*. Culture of the Iranian people. No35: 33-52. (Journal)
- Fakhri, A. & Sadeqi, q. (2012). *Morphology of the story of Koroglu and the bald Hamza based on Propp's theory*. Theater magazine. No57: 9-24. (Journal)
- Green, K. & Lenihan, j. (2004). *Critical Theory and Practice: A Coursebook*. Translated by Bahrani Mohammadi, L. & Others. Tehran: Ruznegār Publication. [in Persian]
- Hosseini Sarvari, N. (2019). *A Comparative Study of Sindbad-name and Bakhtiyar-name in term of Contributors Pattern of Narrative*. Textual Criticism of Persian Literature. Vol11, No1: 89-108. (Journal)
- Hosseini Sarvari, N., Talebian, H. & Moulaei, M. (2011). *The Ups and Downs of the Role of Soldiers in the Triple Movie: Ekhrāja (The Outcasts)*. Culture Communication Studies. Y12. No15: 9-42. (Journal)
- Jadie, J. Y. (1999). *Literary Criticism in the 20th Century (La Critique littéraire au XXe siècle)*. Translated by Nownahali, M. Tehran: Niloofar. [in Persian]
- Jamali Ghahderijani, A., Ghanbari Naniz, KH., Hojjat, M. (2025). *Narratology of Folk tales and legends of Isfahans' people based on Grimas' theory of action*. Research in Narrative Literature. Vol14, No2: 89-113. (Journal)
- Mahjoub, M. (2004). *Iranian Folk Literature*. The efforts of Zulfaqari, H. Second edition. Tehran: cheshmeh.

- Makaryk, I. R. (2004). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory: Approaches, Scholars, Terms*. Translated by Mohajer, M & Nabavi, M. Tehran: Agah. [in Persian]
- Martin, W. (۲۰۰۳). *Recent Theories of Narrative*. Translated by Shahba, M. Tehran: Hermes. [in Persian]
- Marzolph, U. (1997). *Typology of Persian Folk Tales*. Translated by Jahandari, K. Tehran: Soroush. [in Persian]
- Mirsadeqi, J. (2015). *Fiction*. Seventh edition. Tehran: Sokhan. [in Persian]
- Mashhadi, M., Savab, F. (2014). *Analysis of the Narrative Structure of the Story of Bahram and Golandam based on Grimas' theory*. Literary Text Research. Vol 18, No61: 83-105. (Journal)
- Naseri, A. (2009). *Koroğlu in Iran*. Tabriz: Yaran. [in Persian]
- Rasmi, A. (2013). *The Comparative Study of Koroğlu and Rostam's Stories*. Culture and Folk Literature. Vol1, No2: 25-52. (Journal)
- Rasmi, A & Rasmi, S. (2015). *Connection of Love and Epic in Shahnameh and the Story of Koroghlu: A Comparative Study*. Maytho-Mystic Literature. No40: 209-238. (Journal)
- Rasmi, A & Rasmi, S. (2016). *The Mythical Role of Water in the Story of Koroğlu with Ferdowsi's Shahnameh and Its Oral Narratives: A Comparative Study*. Kohan-Name-ye Adab-e Parsi (Classical Persian Literature). Y7, No2: 51-77. (Journal)
- Rasmi, A & Rasmi, S. (2016). *Comparison of father and son's battle in epic stories of "Rostam and Sohrab" and "Koroğlu and Kordoughlu"*. Culture and Folk Literature. Vol4, No11: 175-194. (Journal)
- Rasmi, A & Rasmi, S. (2022). *A compative study of the myth of Â«GiratÂ» in various narrations of Korogli's srory with the mythical horses of Shahnameh*. Literary research. Vol19, No78: 63-86. (Journal)
- Reichl, Karl. (1992). *Turkic oral epic poetry: tradition, forms, poetic structure*. London: Routledge.
- Reisniya, R. (1989). *Koroghlu in Myth and in History*. Second edition. Tabriz: Nima. [in Persian]
- Sarookhani, B. (1996). *The Social Sciences Encyclopedia*. Tehran: Keyhan. [in Persian]
- Scholes. Robert. (2001). *Structuralism in Literature*. Translated by Farzaneh Taheri. Tehran, Agah Publication. [in Persian]
- Tayefi, Sh., Jafarloo, Y., Boodaghi, H. (2024). *The Structure of the Story Asli and Karam based on Grimas's Narrative Pattern*. Culture and Folk Literature. Vol 12, No 57: 137-168. (Journal)
- Toolan, M.J. (2007). *Narrative: A Critical Linguistic Introduction*. Translated by Alavi, S. F & Nemati, F. Tehran: Samt. [in Persian]
- Yalameha, A., Ajdarnejad, H. (2019). *Narratology of the Firooz and Shahnaz Story based on Greimas Model*. Journal of Narrative Studies. Vol 3, No6: 131-158. (Journal)
- Uzun, Enver. (2009). *Koroğlu in the literatures of nations*. Translated by Ashuri, D. Tabriz: Nedaye Shams. [in Persian]



ناشر: دانشگاه تبریز

<https://ihc.tabrizu.ac.ir/?>, ?, 202?, ?-??. doi: 10.22034/IHC.2026.70951.1137



تحلیل داستان «کوراوغلو» بر اساس الگوی کنشگری شخصیت‌ها

مقاله پژوهشی



Copyright ©The authors

Publisher: University of Tabriz